

مدرسهٔ شهری

شماره ۴۷ تابستان ۹۶

No.47 Summer 2017

■ ۳۱۷-۳۳۶ ■

زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۱۲/۱

زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۷/۱۲

واکاوی نقش ساختمان‌های بلند مرتبه بر فرهنگ سکونتی شهر شیراز

مهدی توکلی کازرونی - دانشجوی دکتری تخصصی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، گروه معماری، شیراز، ایران.

هادی کشمیری* - هیات علمی دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، گروه معماری، شیراز، ایران.

Analysis of the role of high-rised buildings on Habitaion culture of Shiraz

Abstract

New approaches to design residential complexes are based on comprehensive interdisciplinary patterns in which the coordination of the human and environmental aspects of the designing is more important. In addition, the problems of living in big cities make it inevitable to use aggregate complexes. Paying attention to human and environmental factors contributing to planning and designing can improve the quality of life in residential complexes. High-rised buildings have a relatively short history in our country. So, it has been a short time that many researchers concern about living in residential complexes and culture of habitation in such complexes. The aim of this study is to analyse and discuss about the outputs of theories about habitation culture and theories related to high-rised buildings by using libraries procedure. The results will present several theories about the impact of high-rised buildings on habitation culture.

Keywords: high-rise building | culture | housing | vertical development of the city | residential complex

چکیده

رویکرد های جدید طراحی مجتمع های زیستی متکی به الگوهای جامع بین رشته ای است، که به هماهنگی جنبه های انسانی و محیطی طراحی اهمیت بیشتری داده اند. از سوی دیگر، مشکلات زندگی شهرهای بزرگ استفاده از مجموعه های متراکم را احتساب ناپذیر ساخته است. توجه به عوامل انسانی و محیطی مؤثر در برنامه ریزی و طراحی می تواند کیفیت زندگی در مجموعه های مسکونی را ارتقاء بخشد. ساختمان های بلند مرتبه دارای قدمت نسبتاً کوتاهی در کشور ما می باشند، مجتمع های زیستی نشینی و فرهنگ سکونتی در مجتمع های زیستی چندی است دغدغه بسیاری از پژوهشگران شده است. لذا این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه ای به تبیین و بررسی مشتقات حاصل از نظریات فرهنگ سکونتی و نظریات مؤثر بر ساختمان های بلند مرتبه پرداخته است. نتایج حاصل به شکل ارائه چند نظریه در باب تاثیر ساختمان های بلند مرتبه بر فرهنگ سکونتی خواهد بود.

واژگان کلیدی: بلندمرتبه سازی، فرهنگ، سکونت، توسعه عمودی شهر، مجتمع سکونتی

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۶۵۳۲۵۲۷، رایانامه: keshmirihadi@yahoo.com

جدیدی در برنامه ریزی و طراحی مسکن به وجود آمده است. زندگی در شهر های بزرگ استفاده از مجموعه های متراکم تر و هماهنگ با جنبه های انسانی و محیطی را القاء می کند. زیرا توجه به این عوامل می تواند زندگی در مجموعه های مسکونی را ارتقاء بخشد. هرچند طرح یک مجتمع زیستی حاصل نهایی فرآیند پیچیده ای است که عناصر آن بر هم تأثیر متقابل دارند و عوامل متعددی از جمله ویژگی های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی در آن مؤثرند، اما با رعایت اصول و معیارهای حاصل از پژوهش های بنیادی و کاربردی در زمینه طراحی معماری سازه و طراحی سایت می توان امکان استفاده و البته مشروط از مجتمع های مسکونی را راه حلی واقع گرایانه و مطلوب جهت اسکان مردم و تامین سایر نیازهای مرتبط با فعالیت های اجتماعی و محیطی در شهر های بزرگ دانست. اگرچه بلند مرتبه سازی از سویی می تواند به بخشی از مسائل شهری نظری کمبود زمین و مسکن تا حدی پاسخ دهد، اما این پدیده خود می تواند نگرانیهای عمدۀ ای را نیز دامن بزند.

۲. روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر ماهیت از نوع پژوهش های اکتشافی است، زیرا مسئله ای را مورد توجه قرار می دهد که قبلاً به آن با این نگاه پرداخته نشده است. در چنین پژوهشی به جای آزمون فرضیه، هدف جمع آوری الگوها و ایده ها برای یافتن درک عمیق از موضوع است برای این منظور از رویکرد آمیخته استفاده می کنیم که هدف آن ترکیب روش های پژوهش کمی و کیفی برای دستیابی به روشی مناسب جهت دستیابی به اهداف پژوهش است. برای این منظور ابتدا به گردآوری داده های کیفی با استفاده از روش مطالعات کتابخانه ای پرداخته شده و سپس سعی گردیده تا از روش دلفی برای رتبه بندی شاخص ها بهره گیری شود. در این راستا ابتدا در نتیجه بازنگری ادبیات موضوع مهمترین عوامل موثر بلند مرتبه سازی بر فرهنگ سکونتی

مقدمه

معماری بیان هنری است که همه مردم خواه؛ ناخواه در معرض آن قرار می گیرند. مردم در فضای معماري زندگی و کار می کنند، و عشق می ورزند. با این همه، به گفته والتر بینامین، معماري معمولاً به ناخودآگاه رانده شده و به شیوه ای آشفته درک می شود. هر بنایی از آسمان خراشها گرفته تا مقبره ها، ضرورتاً به مردم مربوط می شود. پایداری فرهنگی در مجتمع های مسکونی وضعیتی است که در آن، ساکنان از زندگی در خانه و مجتمع خود رضایت دارند و از همسایگی با سایر ساکنان لذت می بندند و همچنین از رفتار با سایر سکنه مجتمع لذت می برند.. مجموعه شرایط زندگی به نحوی است که با گذشت زمان تعاملات اجتماعی بیشتر می شود و بیشتر افراد نسبت به محل زندگی خویش تعلق خاطر و دلبلستگی می یابند. بنابراین به صورت ناخودآگاه حافظ سلامت و پایداری آن هستند و در نگه داری و بهبود وضعیت موجود، مشارکت و هماهنگی دارند. در نتیجه عمر مفید و ارزش مادی واحد های مسکونی این نوع مجتمع ها در شرایط برابر بیشتر از سایر مجتمع هاست.

پایداری اجتماعی بهره وری مجتمع های مسکونی را به حداکثر می رساند. و نوعی تعالی بخشیدن به زیستن را شکل می دهد. پس باید فضاهایی متمایز برای فعالیت های مختلف انسان فراهم آورد و آنها را به نحوی به هم پیوند داد، که محتوای عاطفی آن کنش خاص در حیات آدمی، که در آن فضاهای رخ می دهد، باشد.

۱. بیان مسئله

مسکن به صورت اجتماعی نوع خاصی از مسکن است که ریشه ای تاریخی در قرن نوزدهم دارد و در تعدادی از کشور های صنعتی طی دهه های گذشته و به ویژه در سالهای بعد از جنگ جهانی دوم یکی از روش های عمدۀ تامین مسکن برای افراد کم درآمد و میان درآمد بوده است. در راستای تحولات انقلاب صنعتی و رشد جمعیت رویکرد های

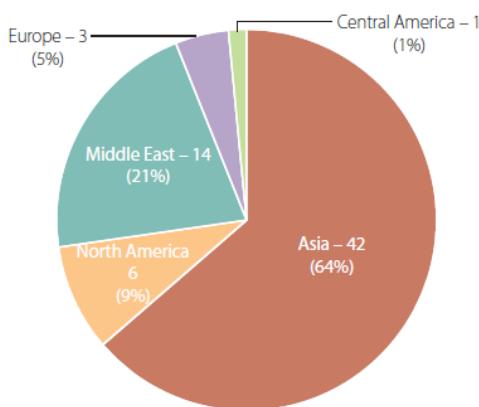
جدول ۱. جمع بندی آرآ و اندیشه های نظریه پردازان درباره مفهوم سکونت

نظریه پرداز	دیدگاه نظری درباره مفهوم سکونت و خانه
کریستین نوربرگ شولتز	صحنه اجرای سکونت خانه است که در واقع پناهگاهی است که امنیت و آسایش را برای ساکنینش به ارمغان می آورد. خانه مکانی است برای دیدار محترمانه سکونت خصوصی که بر پایه‌ی عشق استوار است و در نهایت خود زندگی است که قلمروی درونی را که خاطرات محیط دورست را در خود گرد آورده است می آفراییند (نوربرگ شولتز، ۱۹۸۴).
ابونصر فارابی	خانه از نظر او صرفاً زیستگاه نیست بلکه جایگاهی است که حضور در آن باعث کمال می شود، بر رفتار فرد تاثیر می گذارد و محوریت پیوند انسان‌ها با یکدیگر است. وقتی که خانه در کمال بخشی به فرد تاثیر داشته باشد آنگاه شهر نیز در کلیت خود باعث تکامل همه‌ی شهروندان می شوند (معینی، ۱۳۸۳).
رابرت گیفورد	کاشانه یک مجموعه غنی از معانی فرهنگی، جمیعتی و روانی در حال تکامل است که ما به ساختار فیزیکی متصل می کنیم و شش مشخصه دارد: پناهگاه، نظم دهنی، هویت، همبستگی، گرمای سمبیلیک و منتناسب بودن با نیازهای روانی (گیفورد، ۱۹۹۷).
علی مدنی پور	خانه، مکانی برای استقرار خانواده است و در واقع تصویرگر اصلی عرصه خصوصی انسان، نهادی در بطن جامعه مدرن، نمادی برای ابراز هویت شخصی فرد و سرپناهی کالبدی و روانی است (مدنی پور، ۱۳۸۷).

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۳۱۹



شکل ۱. نمودار بلندمرتبه سازی در قاره‌های مختلف جهان (Wezha Hawez Baiz, ۲۰۱۶:۲۰)

می یابد (Bachelard, ۱۹۷۴:۷۰).

۲-۳. بلند مرتبه سازی

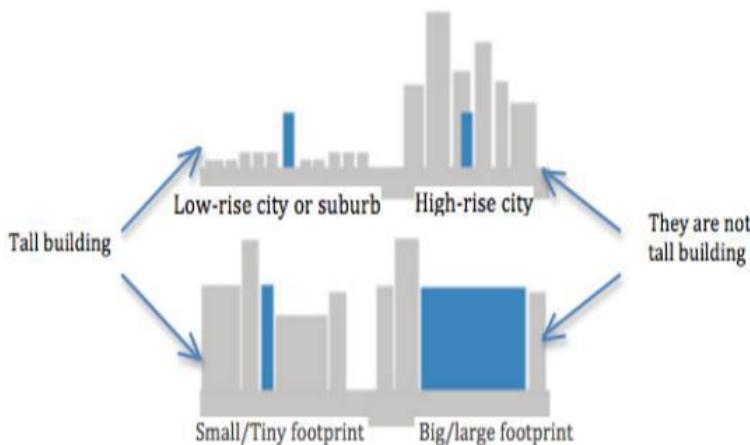
استفاده از ساختمان‌های بلندمرتبه به تمدن‌های اخیر زود بر می‌گردد. در مصر باستان این کلمه برای توصیف اهرام که مربوط به ۲۷۰۰ سال پیش از میلاد مسیح است استفاده گردیده است. پس از آن برای نشان دادن ارتفاع کلیساها و کاخها استفاده می شده است. برای مثال کلیسای لینکلن یکی از بلندترین کلیساها از ۲۰۰ سال پیش تاکنون بوده است توجه به ارتفاع ساختمان‌های بلند نیز به

که شامل ۴۱ مورد بود استخراج گردید و سپس در قالب روش دلفی با استفاده از ابزار پرسشنامه ای در سه مرحله و مبتنی بر روش گلوله برفی با نمونه آماری شامل ۳۲ خبره در حوزه معماری مورد سنجش و رتبه بندی قرار گرفت که در قالب جدولی در پایان پژوهش ارائه گردیده است. ضمناً برای بررسی ضریب همبستگی از شاخص معنی‌داری و برای تطبیق قابل قبول نظرات در آزمون دلفی از ضریب دبلیوی کنداش بهره برده شده است.

۳. مفاهیم و تعاریف

۳-۱. مفهوم سکونت

از نظر مارتین هایدگر، سکونت کردن هدف هر نوع بنا کردن است و خصیصه اصلی آن آسیب نرساندن و حراست کردن است که با نجات دادن زمین، پذیرفتن آسمان، ماندن در انتظار خدایان و هدایت کردن فانیان بدست می آید (هایدگر، ۱۳۷۷). در ادبیات سکونت، بر اهمیت نقش مسکن در احرار هویت ساکنان تاکید شده است. مارتین هایدگر سکونت را نشان بارز وجود می داند (هایدگر، ۱۳۸۱، ص ۲۴). گاستون باشلار خانه را به عنوان قوای عظیم در هم آمیخته زندگی بشر یاد می کند و معتقد است که انسان در خانه هویت خود را باز



شکل ۲. مفاهیم نسبی بلند مرتبه سازی؛ مأخذ: ۲۰۱۶:۲۰، Wezha Hawez Baiz

عنوان شهر مرتفع شناخته می شود، نمی تواند به عنوان ساختمان بلند مرتبه یا آسمان خراش اندازه گیری شود. از سوی دیگر همان برج با همان ارتفاع می تواند به عنوان یک ساختمان بلند در بسیاری از شهر های اروپا محسوب گردد (شکل ۲).

از مسائل مهمی که از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی شهر های بزرگ جهان با آن مواجه شدند، ساخت بناهای بلند با شیوه امروزی است. اینگونه بناهای در ابتدا به منظور بهره گیری بهتر از زمین های مرکز شهر در شهر های بزرگ کشورهای غربی مورد استفاده قرار گرفتند. پس از گذشت چند دهه شهر های بزرگ کشورهای در حال رشد نیز، به تقلید از آن شهرها یا بر حسب ضرورت، از بناهای بلند استفاده نمودند (رزاقی اصل و دیگران، ۱۳۸۹). در حال حاضر تناسبات یکی از مسائلی است که شهر ها با آن متمایز شده اند و نمادی برای زندگی مدرن است که نشان می دهد ساختمان های بلند به سرعت در حال رشد هستند.

برخی از فاکتور های مهم گرایش به ساختمان های بلند مرتبه عبارتند از: جمعیت، نفوذ پذیری، مدیریت شهری و نمادین بودن. ساختمانهای بلند مرتبه تنها جهت حل مشکلات ذکر شده در بالا است ولی خود باعث مشکلاتی چون: تاثیر در بافت شهری مانند فرهنگ، محیط زیست، آلودگی محیط زیست

قرن ۱۹ در شیکاگو برمی گردد. و این در حالی است در سه دهه گذشته این ساختمان ها به سرعت توسعه یافته اند (شکل ۱).

ساختمان های بلند مرتبه تنها یک پدیده از شهر حاضر و به صورت جداگانه یا بدون تاثیر بر برنامه ریزی شهری نیست. مطالعه و تحقیق برج های بلند معمولاً به همراه محیط پیرامون آمده است. به عبارت دیگر هنگام اندازه گیری ارتفاع ساختمان های بلند، باید در چهارچوب محیط اطراف توجه نمود سپس می توان تصمیم گرفت که آن ساختمان ها مرتفع هستند یا آسمان خراش شناخته می شوند. ملاک ساختمان بلند مرتبه یا آسمان خراش صرفاً ارتفاع نیست. جنبه های مختلفی در این خصوص باید بررسی شود. سورای ساختمان های بلند و زیستگاه شهری (CTBUH) تعدادی از جنبه هایی که باید هنگام محاسبه ارتفاع ساختمان ها بررسی شود را تعریف کرده است، این جنبه ها عبارتند از: نسبت، فناوری، بافت شهری.

همان طور که روشن است یکی از جنبه ها به بافت شهری مربوط است. این بدان معناست که بین ساختمان های شهری و بلند مرتبه ارتباط قوی وجود دارد و جدا از یکدیگر نیستند و هریک بر دیگری تاثیرگذار است. برای نمونه، هر برج دارای چهاده طبق در شانگهای و یا هر شهر دیگری که به

دریی شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۳۲۰

مؤلفه های هویتی هر محل نیز به خوبی شناسایی شوند (تواهن، ۱۳۸۳، ص ۴). حل مشکل مسکن بدون توجه به ویژگی های جمعیتی یک کشور اگر ناممکن نباشد، بسیار دشوار است، زیرا شاخص های جمعیتی نظیر تعداد و روند افزایش جمعیت، ساخت آن، درجه عمومیت و پیشرسی ازدواج، مهاجرت، وضعیت اشتغال و ... مستقیماً بر حدود نیاز به مسکن تاثیر می گذارند، به همین جهت شناخت جمعیت و ویژگی های آن گام نخست در رفع این مشکل محسوب می شود (زنجانی، ۱۳۷۱، ص ۱۵۵-۱۵۶).

ارتفاع ساختمان دستاورده است که راه حل برخی از بزرگترین شهرسازی جدید را در بر میگیرد (پاکزاد، ۱۳۸۶، ص ۳۸۱).

۳-۵. تاریخچه بلند مرتبه سازی در ایران

بروز بحران آسیب زای مسکن و ضرورت آپارتمان نشینی در کل دنیا، اساساً بازتاب انتقال از جوامع مبتنی بر کشاورزی، نظام ایلاتی و طایفه ای خانواده های پدر سالار و گسترده به نوع دیگری از جوامع مبتنی بر صنعت و خدمات با نظام استقرار شهری و بروز فرهنگ نو ظهور فردگرایی با خانواده های هسته ای می باشد که البته گونه ای انتقال از ساختار جمعیتی با نرخ رشد حدود ۰/۵ درصد و حتی کمتر را به ساختار جمعیتی نوظهوری که رشد سالانه حدود ۳ تا ۴ درصد داشته را نیز شاهد بوده ایم (حسامیان و دیگران، ۱۳۶۳، ص ۲۱).

۴-۴. بررسی دیدگاه های مربوط به بلند مرتبه سازی

شناخت هر پدیده ای به درجه شناخت از نظریات و دیدگاه های مربوط به آن پدیده بستگی دارد، بدین معنی که با شناخت دقیق این دیدگاه ها، ادراک آن پدیده آسانتر می گردد. به همین دلیل لازم دانستیم نظریات و دیدگاه های مثبت و منفی مربوط به ساخت و سازهای بلند مرتبه را مورد بحث و بررسی قرار دهیم

۱-۴-۱. دیدگاه های مخالف با ساختمان های بلند مرتبه

و سایه اندازی است.

۳-۳. مرور تعاریف ساختمان بلند مرتبه

برای ساختمانهای بلند از دیدگاههای مختلف تعاریف متفاوتی ارائه شده است که هریک از منظر خود به تعریف بلند مرتبه سازی پرداخته اند. در طول زمان و در مکانهای مختلف نیز تعاریف ساختمانهای بلند متفاوت بوده است. فرهنگ جدید انگلیسی آکسفورد می گوید، ساختمانی که طبقات بلند داشته باشد. از دیدگاه مهندسان ساختمان، هنگامی می توان بنایی را بلند مرتبه یا مرتق نامید که ارتفاع آن باعث شود نیروهای جانبی ناشی از زلزله و باد بر طراحی آن تاثیر قابل توجهی بگذارد و بر این مبنای لحاظ ارتفاع، ساختمانهای بیشتر از ۱۰ طبقه را بلند مرتبه به شمار می آورند.

۳-۴. تاریخچه بلند مرتبه سازی در جهان

قرن بیستم شاهد تحولات بی سابقه ای در زمینه های گوناگون علمی، فنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی- فرهنگی بوده است (بحرینی، ۱۳۷۷، ص ۴۴۵-۴۴۶)، با افزایش جمعیت، تشکیل شهرها و کلان شهرها، مسکن نیز حکم کالایی خاص را یافته و دارای ابعاد گوناگون و تاثیرگذار بر دیگر شاخص های اقتصادی شد. حق برخورداری از مسکن مناسب در سال ۱۹۴۸ به طور رسمی در اعلامیه حقوق بشر سازمان ملل متحد مطرح گردید (کریمی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۹). بی تردید بهره گیری از آزادی ها و حقوق اساسی یک انسان در گروزیست سالم، بی دغدغه و امن است و این همه بدون برخورداری از سرپناهی مناسب و ایمن حاصل نمی شود (رفیعی، ۱۳۸۳، ص ۳۶). مسکن به عنوان نوعی سرمایه گذاری دارای مفهوم اقتصادی نیز هست، از طرفی الگوهای سکونتی نیز ارتباط مستقیمی با شرایط اجتماعی و اقتصادی و نیازهای فرهنگی جامعه دارد. به گونه ای که سیاست های اجرا شده در داخل یک کشور جهت تامین مسکن لزوماً در ناحیه دیگری از همان کشور قابل اجرا و قرین توفیق نخواهد بود بدین ترتیب برای پرداختن به موضوع مسکن حتماً باید

مزیت این گونه بناها مطرح می‌کنند. بعضی از این نظریات، احداث بناهای بلند را نوعی واقع گرایی دانسته و با توجه به شرایطی که در قرن حاضر ایجاد گردیده است، بر استفاده از ساختمان بلند تاکید می‌کنند و در مجموع با توجه به رشد جمعیت شهرهای بزرگ، احداث ساختمان های بلند را راه حل طبیعی و مناسب جهت اسکان مردم در شهرهای بزرگ می‌دانند (حبیبی، ۱۳۸۸). معمارانی چون گریپیوس معتقد بودند که ساختن بناهای مسکونی مرتفع، امکان استفاده از زمین آزاد (باغ) و زمین های بازی را بیشتر می‌کند، ساختمان و زمین، آفتاب بهتر و بیشتری می‌گیرند و از این روی خانه های بلند برتری دارند (اعتصام، ۱۳۸۲، ص ۲۵۲). در طرح های شهری، معمارانی چون میس وندروهه و گروپیوس و... به عنوان موافقان با طرح ساختمان های بلند یا ساخت این بناها خواستار انجام تغییر اساسی در شهرهای بزرگ هستند و معتقدند تراکم جمعیت در شهرها روز به روز افزایش می‌یابد. برای استفاده از فضای آزاد، نور و هوای کافی، احداث ساختمان های بلند لازم است. بنابراین اساس طرح های معماران احداث پارک ها و گردشگاه ها است (گیدئون، ۱۳۸۰، ص ۶۵۱). یک ساختمان بلند مسکونی در آشنایی و نزدیک شدن ساکنان خود همانند آشنایی هایی که در دهات و جوامع کوچک رخ می‌دهند، نقش اجتماعی مثبتی را ایفا می‌کند و خارج از این ارزشی مهم شناخته شده است (بهرون، ۱۳۷۵، ص ۴۳). همچنین خانواده ها با عوامل مختلفی که تحت عنوان سلامت محله و روابط اجتماعی، موقعیت، امکانات و خدمات اجتماعی می‌باشد تمرکز دارند (Belinda Yuen, ۲۰۰۶).

۴-۵. مفهوم فرهنگ

فرهنگ در گستره ترین معنای خود، چنان که مردم شناسان به کار می‌برند، نامیست برای همه ی چیزهایی که دست آورد انسان است و مایه‌ی جدایی او از طبیعت و برتری او بر دیگر باشندگان

در ارتباط با کیفیت زندگی شهری و مسائل اجتماعی، عقیده نظریه پردازان فوق بر این است که، مجتمع های زیستی های بلند به هیچ وجه جای یک مسکن سالم و طبیعی را نمی‌گیرند (بالکن جای باعچه)، مالکیت مجتمع های زیستی هیچگاه جای مالکیت یک خانه معمولی را نمی‌گیرد. بعلاوه، ساختمانهای بلند علیه خود انسان نیز عمل می‌کنند. زیرا زمینه لازم برای وقوع جنایات را فراهم می‌سازند. کودکان تماس مستقیم خود را با طبیعت و با همسالان خود از دست می‌دهند و این امر آثار تأسف باری را هم برای خود کودکان و هم برای والدین آنها در برخواهد داشت (بحرینی، ۱۳۶۹، ص ۱۴). به کارگیری ساختمان های بلند مرتبه، به منظور تامین مسکن همگانی، باناکامی هایی رو به رو بوده است. این نقایص را می‌توان به در گذشته شهرها با طبیعت تعادل خاصی داشتنده، براساس نظر دوکیادس ساختمان های بلند درست بر عکس طبیعت و محیط زیست عمل می‌کنند و مقیاس محیط و جریان طبیعی هوا را نیز به هم می‌زنند و سبب ایجاد آلودگی می‌شوند. ساختمان های بلند کلیه ارزش های قدیمی کالبد و سیمای شهرها را زیر پا گذاشته اند و مناظر طبیعی شهرها را از بین می‌برند (بحرینی، ۱۳۷۶). لوئیس مامفورد منتقد بزرگ معماری، اظهار می‌دارد: مرتب کردن ساختمان های مرتفع پیوسته یا برج ها، حتی اگر به اندازه ای از یکدیگر جدا شده باشند که بر هم سایه نیند از نیازمندی، ایجاد محیطی عاری از جذابیت است؛ چون که بناهای پیوسته یا برج ها خورشید را از محیط می‌گیرند و مقیاس انسانی را تخریب می‌کنند، محیطی که صمیمیت و آشنا بودن با آن برای خردسالان و بزرگسالان شادی بخش است (شوابی، ۱۳۷۵، ص ۳۶۵).

۴-۴-۲. دیدگاه های موافق با ساختمان های بلند مرتبه

موافقان با ساخت بناهای بلند، ضمن ارایه ی دیدگاه ها و نظریات گوناگون، دلایل بسیاری برای

جدول ۳. تعاریف فرهنگ

لووی، ۱۹۳۷	فرهنگ مجموعه‌ی چیزهایی است که فرد از جامعه خود فرا می‌گیرد، یعنی باورها، رسم‌ها، سنت‌های هنری، عادت‌های خورد و خوارک و پیشه‌هایی که نه از راه کردوکار خود بنیاد او، بلکه به صورت میراثی از گذشته، از راه آموزش و پرورش رسمی و غیر رسمی به او می‌رسد (آشوری، ۱۳۸۶: ۴۹).
هرسکوویتس، ۱۹۴۸	فرهنگ در اساس بنایی است بیانگر تمامی باورها، رفتارها، دانش‌ها، ارزش‌ها و خواسته‌هایی که شیوه‌ی زندگی هر ملت را باز می‌نماید ... و سرانجام عبارت است از هرآنچه یک ملت دارد، هر کاری که می‌کند و هر آنچه می‌اندیشد. فرهنگ بخش انسان ساخته‌ی محیط است (آشوری، ۱۳۸۶: ۵۱).
لیتون، ۱۹۳۶	وراثت اجتماعی فرهنگ نامیده می‌شود. فرهنگ، به معنای عام، کل میراث اجتماعی بشریت است و به معنای خاص رگه‌ای ویژه از میراث اجتماعی (آشوری، ۱۳۸۶: ۵۲).
مید، ۱۹۳۷	فرهنگ به معنای کلیت در هم تبیه‌ای است از رفتار فرادادی که نژاد پسر پرورانده است و نسل به نسل آموخته می‌شود. هیچ فرهنگی را به دقت نمی‌توان حدگذاری کرد. معنای آن می‌تواند شکل‌های رفتار فرادادی خاص یک جامعه، یک گروه از جامعه، یک نژاد، یک حوزه یا دروه‌های خاص باشد (آشوری، ۱۳۸۶: ۵۲).
بنت و تومن، ۱۹۴۹	فرهنگ عبارتست از الگوهای رفتار همه‌ی گروه‌ها که «راه و روش زندگی» نامیده می‌شود: سیمای پدیدار همه‌ی گروه‌های بشری. رویداد «فرهنگ» برای همه‌ی گروه‌ها یکسان است، اما الگوهای ویژه فرهنگ در میان گروه‌ها گوناگون است. «یک فرهنگ» آن الگوی خاص رفتار است که یک جامعه را از دیگر جامعه‌ها جدا می‌کند (آشوری، ۱۳۸۶: ۵۶).
کلاکن، ۱۹۴۹	فرهنگ را می‌توان آن بخشی از محیط دانست که آفریده‌ی دست انسان است (آشوری، ۱۳۸۶: ۶۸).

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۳۲۳

فرهنگ از جمله کلماتی است که در متون مختلف از کاربرد گسترده‌ای برخوردار است و همین گسترده‌گی بر ابهام و پیچیدگی آن می‌افزاید. البته این وسعت استفاده نشانه ابعاد بسیار پنهان فرهنگ است که آن را قادر به نفوذ در امور مختلف می‌سازد. اهمیت فرهنگ به میزانی است که بعضی آن را سبب تمایز انسان از حیوان می‌دانند و به عبارتی سخن از این به میان می‌آورند که انسان حیوانی است با فرهنگ (روح الامینی، ۱۳۷۷، ص ۱۶) و عده‌ای دیگر آن را به مثابه حافظه‌ای برای جامعه می‌دانند (تری یاندیس، ۱۳۸۸، ص ۲۶). تاثیر فرهنگ صرفاً به جامعه برنمی‌گردد و آن را می‌توان عامل اولیه ای برای اختلافات فردی نیز دانست (عسکری خانقه و کمالی، ۱۳۸۷، ص ۲۴۳). همین برداشت‌های متنوع؛ این امر را ضروری می‌سازد تا بیش از پیش به شناخت جایگاه آن در مطالعات معماري و بررسی

طبیعی. برخی کوشیده‌اند سازمانیه‌های اصلی پدیده فرهنگ را ز هم جدا و طبقه‌بندي کنند، ولی در کل فرهنگ در برگیرنده‌ی همه‌ی چیزهایی است که یک شکل خاص از زندگی اجتماعی و زندگی اجتماعی انسانی از در کل ممکن می‌کند و روابط و سازوکارهای درونی آن را سامان می‌دهد (آشوری، ۱۳۸۶، ص ۱۲۱). تعریفی که ادوارد بارت تایلور مردم شناس بزرگ انگلیسی در سال ۱۸۷۱ در کتاب «فرهنگ ابتدایی» ارائه داده است به عنوان تعریفی جامع و مانع معروف است. فرهنگ مجموعه‌ای پیچیده‌ای است که در برگیرنده دانستنی‌ها، اعتقادات، هنرها، خلاقیات، قوانین، عادات و هرگونه توانایی دیگری است که انسان به عنوان عضوی از جامعه به دست می‌آورد (روح الامینی، ۱۳۸۴، ص ۱۷).

۴-۵. فرهنگ و ابعاد آن

می سازد، فرهنگ و یا به عبارتی نظام ذهنی اوست (عسکری خانقاہ و کمالی، ۱۳۸۷). بدین لحاظ است که بنا را می توان، نهاد و پدیده اساسی فرهنگ (راپاپورت، ۱۳۸۲، ص ۵۷) و نشانه یک باور (راپاپورت، ۱۳۸۲، ص ۴) دانست. تا حدی که حاضر است خواسته های خود را بر مشکلات اجرایی و اقتصادی برتری دهد (روح الامینی، ۱۳۷۷، ص ۵۴، و راپاپورت، ۱۳۸۲، ص ۶۷).

۴-۶. فرهنگ سکونتی

فرهنگ رابطی است بین انسان و محیط بیرون تا ریشه او را هم در طبیعت و هم در جامعه مستحکم سازد. به کمک فرهنگ انسان ها به هم وابسته و نزدیک میشوند و با مشترکات ذهنی که زائیده همین فرهنگ است، ملت به وجود میآید که پیوندگاه او را اشتراکی است در خاطره ها و اشتراک در چیزهایی که دوست میدارند و اشتراک زبان و چیزهایی دیگر. فرهنگ به معنای خاص به سرمایه معنوی یک قوم گفته میشود که همه آثار ادبی و هنری را در برمی گیرد. یکی از تفاوت های اصلی در فرهنگ های مختلف این است که فرهنگ ها تعمیم دهنده اشکال رفتاری و تشریحی متفاوتی از سازواره بشری هستند. هر کجاکه اقتباس فرهنگی در بین باشد، موضوع اقتباس شده بایستی با فرهنگ جدید توافق داشته باشد. در غیر این صورت تغییرات قدیم و جدید باهم همسازی نداشته، و در بعضی موارد، حتی دوالگوی کاملاً متناقض هستند (پاکزاد، ۱۳۷۵، ص ۴۵).

۴-۶-۱. ریشه های ایده تاثیر محیط بر انسان معانی نمادین محیط مصنوع و عناصر آن (مثل شهرها، معابد، آرامگاه ها، مقابر و خانه ها) در هر یک از تمدن های بشری گویای معنایی است که محیط به ذهن انسان متبار نموده و بالنتیجه بر ادراک او از محیط و بر رفتارش در محیط تاثیر کرده، و در نهایت فرهنگ او را شکل داده و متحول می نموده است. ادیان الهی نیز مکان هایی را به عنوان

بعداد و تعاریف آن بپردازیم.

۴-۵-۲. رابطه فرهنگ و معماری

آنچه به عنوان فرهنگ بر شمردیم (قوانين، ارزشها و...) تنها بخشی از فرهنگ هر جامعه است. فرهنگ، دارای بعدی دیگر نیز هست به نام بعد مادی و منظور از آن، ساختمان ها، بناهای، کارخانه ها و ... است. در واقع، این امور را نیز جزئی از فرهنگ یک جامعه میشمارند. چون ریشه در ارزش ها، باورها و ... دارند و از همین جا حلقه ارتباط فرهنگ و معماری نمایان میشود. «جهت گیری فرهنگ ها، همواره بر مبنای فطرت بشری و اندیشه او انجام میشود و همین مسیر در شکل دهی به فضای زیست و پیدایش معماری مؤثر است، چراکه این فضا به عنوان یک نیاز بشری مطرح است و اینگونه نیازها همواره در مسیر عقل و فطرت الهی پاسخ داده میشوند» (فلاحتی، ۱۳۹۲). شکل و رفتار هر جامعه ای به ابزار و اشیاء خاصی نیازمند است که معمار باید این وسایل را در نظر بگیرد؛ هر ساختمانی به دلیل آنکه شامل فعالیت های متفاوتی است از فضاهای متنوعی برخوردار است و الزام است این فضاهایا با یکدیگر ارتباط داشته باشند و به گونه ای خاص سازماندهی شود. یکی از عواملی که تعیین کننده این ارتباطات است، فرهنگ است. فرهنگ تعیین میکند که چه فضاهایی با هم دیگر ارتباط داشته باشند و میزان ارتباط چقدر باشد (مهدوی پور، ۱۳۷۷، ص ۵۷).

چنانچه معماری را ساخت و سازی بر اساس قالب های ذهنی بنامیم (راپاپورت، ۱۳۸۲، ص ۶۹)، متوجه می شویم که شکل و نظام سازماندهی شهر و معماری هر منطقه متاثر از محیط فرهنگی آن است. در همین راستا می توان بیان کرد که اساساً شناخت مسکن از طریق شناخت لایه های مختلف تاثیرات فرهنگی امکان پذیر است (Baydar, ۱۹۰۴: ۱۹). عده ای اینگونه معتقدند که معماری نیز همانند لباس و سایر وسایل انسانی وسیله ای است بر اساس تطبیق با محیط بدون تغییر ساختار بدن انسان (Dezuari, ۱۹۴۶: ۱۰۲). و آنچه این تطبیق را ممکن

دریی شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۳۲۴

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۳۲۵

یعنی اجتماع شهربی محیطی زنده است که تحت تأثیر نیروهای شبه طبیعی و شبه فرهنگی قرار دارد. آنچه او در نظر دارد، حرکت جمعیت با بررسی سن، جنسیت، نژاد، قومیت و ابعادی از این قبیل است. به عقیده پارک حتی حرکتهای بوم شناختی مثل نیروهای شبه فرهنگی می‌تواند در شکل شهر تأثیر داشته باشد (ممتر، ۱۳۸۱، صص ۱۲۹-۱۲۴).

۲-۵. رویکرد ترکیب گرایی

در مقابل نظریه جبرگرایی، دیدگاه یا نظریه ترکیبی (فضایی) قرار دارد. از میان نظریه پردازان این دیدگاه، هربرت گائز جایگاه مهمی دارد (گائز، ۱۹۶۸، نقل از کامران و همکاران، ۱۳۸۸، صص ۳۴-۲۹). از نظریه پردازان این دیدگاه می‌توان به اسکارلوئیس، گریگوری استون، دانکن و رایزر، جرالدستزل، جاکوبز و گنز اشاره کرد. گنز جایگاه مهمی در میان نظریه پردازان ترکیب گرا دارد و معتقد است حیات اجتماعی شهرنشینان بیشتر به عوامل غیراقتصادی مانند طبقه اجتماعی، قومیت و مراحل عمر وابسته است. به نظر وی خلاف آنچه جبرگرایان مدعی شده اند، عوامل اکولوژیکی، مخصوصاً اندازه و تراکم جمعیت و ناهمگونی گروههای شهری هیچ گونه عارضه مستقیم و تأثیر جدی بر زندگی افراد شهرنشین ندارد (گائز، ۱۹۶۸، ص ۳۴). گنز شیوه های مختلف زندگی را متأثر از ویژگی های عمومی اجتماعی مثل سن، درآمد یا سطح سواد افراد می دانست. گنز بر همین اساس چهار گروه اجتماعی (جهان وطنان، مجردان یا بی بچه ها، روستاییان قوم گرا، محرومان در تله افتاده) را در شهرهای آمریکایی شناسایی کرد و چهار شیوه خاص زندگی ایشان را مورد بررسی قرار داد (صدقیق سروستانی، ۱۳۶۹، ص ۲۱۰-۲۰۹).

۳-۵. رویکرد فرهنگ گرا

دیدگاه سوم یعنی نظریه خردہ فرهنگی یا فرهنگ گرایانشی جدید و در اصل سنتز دو نظریه فوق الذکر است یعنی این دیدگاه در حالی که فرضیه اصلی نظریه ترکیبی را تأیید می کند، به این نکته

مکان و فضای مقدس معرفی نموده اند، که همین امر عامل بنیادین تعریف و تعیین کیفیت فضا بوده است. تاثیر محیط بر انسان موضوع جدیدی نیست و از قدیم الیام مورد توجه فلاسفه و مصلحین بوده است.

۴-۶-۴. فرهنگ ساکنین و محیط مصنوع

در طراحی محیط های مصنوع، کاربران در گروه های اجتماعی مختلف از موضوعات کلیدی میباشند و در بیشتر اوقات فرهنگ کاربران متفاوت از فرهنگ طراحان میباشد. این تفاوت ها ممکن است حتی در خرده فرهنگ های نیز وجود داشته باشد.

۵. مبانی نظری بلند مرتبه سازی و فرهنگ سکو نتی

در این بخش از پژوهش ابتدا به بررسی نظریات جامعه شناسی و فرهنگی غالب بر سکونت خواهیم پرداخت و پس از آن به بررسی نظریات مرتبط با بلند مرتبه سازی خواهیم پرداخت.

۱-۵. نظریه جبرگرایی

از نظریه های مهم در مورد مسایل جامعه شناسی شهری، تئوری جبرگرایی یا اکولوژیکی را می توان نام برد. جبرگرایان مدعی اند شهرنشینی نا به سامانی های شخصیتی و اجتماعی را افزایش می دهد (صدقیق سروستانی، ۱۳۶۹، ص ۱۹۹). مفاهیم مورد استفاده در بوم شناختی که پارک پایه گذار آن بود به شرح زیر است.

۱- تسلط: به این معنا که درخت بلند برمحیط مسلط می شود و نور را به خود تخصیص می دهد.

۲- هجوم و استقرار: هجوم به معنی حرکت یک گروه نژادی یا قومی به یک منطقه است که در صورت موفقیت به استقرار آن گروه منجر می شود.

۳- همزیستی: این مفهوم به معنی وابستگی متقابل سازواره های متفاوت و اجتماعی است.

پارک معتقد بود که اجتماع همانند محیط طبیعی است و در آن جریان های شبه فرهنگی مانند رقابت، همکاری، تضاد و یگانه شدن وجود دارد

نیز می پردازد که شهرنشینی اثرا ت خاصی بر شهرنشینان می گذارد و پیامدهایی نیز دربردارد. از یک طرف جمعیت زیاد شهر باعث پیدایش گروه های اجتماعی می شود. مانفرد کان معتقد است واکنش افراد در مقابل اشیاء و پدیده ها و موضوعات مختلف، بر اساس معنای آنها رخ میدهد؛ یعنی فرد در جریان کنش و برخورد مستقیم و تجربه داشتن از شیء یا موضوع آن را تعییر و تفسیر کرده و با توجه به ارزیابی هایش نگرش خاصی پیدا میکند. مانفرد کان در بیان فایده و اهمیت دیدگاه های کیفی و انفرادی انسان نظری نگرشها و رفتارهای او برای کنش متقابل نمادین چنین بیان میکند: «افراد هویت خود را طی جریان تماس با دیگران کسب میکنند و از آنجا که رفتار و گرایش افراد درباره هی خویشتن حاصل چیزی است که دیگران درباره فرد میاندیشند، گرایش ها و رفتارهای آشکار همان چیزی است که از دیگران بهره داشته و در جریان تماس و معاشرت کسب میشود» (توسلی، ۱۳۸۴، ص ۳۲۵).

۱-۳-۵. عوامل فرهنگی اجتماعی دخیل در بناهای مرتفع

اجتماع و فرهنگ نقش کلیدی را در پذیرفتن یا نپذیرفتن توسعه ساختمان های بلند بازی می کند. در جوامعی که زندگی در بناهای مرتفع یک قاعده اساسی است، فرهنگ محلی بدون هیچ مشکلی با اضافه کردن ساختمان های بلند جدید شکل می گیرد. مردمی که متولد و در ساختمانهای بلند تربیت می شوند عموماً هیچ مشکلی برای ادامه زندگی در این محیط ندارند. در مقابل، مردم در برخی از جوامع سنتی که برای قرنها در ساختمان های با ارتفاع کم زندگی کرده اند ممکن است در ابتدا احساسی از ناراحتی در زندگی در بناهای مرتفع داشته باشند تا زمانی که آن ها خود را با شیوه جدید زندگی تطبیق دهند. در واقع، نوعی از روابط اجتماعی در بناهای مرتفع ایجاد شده که متفاوت است از آن چه در ساختمان های کوتاه مرتبه تجربه

می شود (Belinda Yuen, ۲۰۰۶). ساختمان های مسکونی بلند، به طور خاص، به اثرات اجتماعی مرتبط است. بسیاری از محققان در مورد اثرات اجتماعی و روانی زندگی در مسکن بلند مرتبه ابراز نگرانی کرده اند. در حالی که بناهای بلند ممکن است برای مردم تنها و زوج های جوان؛ و برای یک خانواده با کودکان کمتر مطلوب باشد.

۶. بلند مرتبه سازی و فرهنگ سکونتی در این بخش به جمع بندی مطالب فوق و ادغام این دو نظریه پرداخته می شود. عواملی که در فرهنگ و سکونت در شهر نیز تاثیر می گذارد باید لیست شود؛ عوامل به وجود آورنده هویت؛ تعاملات اجتماعی؛ همسایگی؛ حس تعلق به مکان؛ طول مدت سکونت، افزایش سلامت، امنیت، تعامل اجتماعی؛ دلبستگی؛ احساس رضایت؛ شخصی سازی محیط؛ قلمرو، احترام به خود، حس مالکیت. ایجاد هویت تعلق مکانی را افزایش می دهد و در نتیجه احساس رضایت را بیشتر می کند که کیفیت محیط می تواند این عوامل را معرفی کند.

۷. یافته های پژوهش

اولین گام در این پژوهش شناسایی مهم ترین شاخص های بلند مرتبه سازی مؤثر بر فرهنگ سکونتی می باشد. برای این منظور طی یک بررسی مبانی نظری، عده ترین شاخص های مؤثر در بلند مرتبه سازی، شناسایی گردید. سپس این شاخص های بر اساس یک اجماع نظر از خبرگان با استفاده از روش دلفی مورد تحلیل قرار گرفت که در ادامه به این فرایند و نتایج آن اشاره شده است. دو مورد بیان شده (تست ۱/۰ و حذف شاخص بی اهمیت) در مرحله سوم نیز صورت می گیرد. بر اساس منطق روش دلفی، معیار اختلاف میانگین، دو تکرار آخر می باشد. بدین معنی که در مرحله سوم، اختلاف بین میانگین امتیازات در دور دوم و سوم مقایسه می گردد. این فرایند تا زمانی که تمامی اختلافات کمتر از ۱/۰ شود، ادامه می یابد. دور اول روش دلفی در پرسشنامه دلفی از پاسخ دهنده‌گان

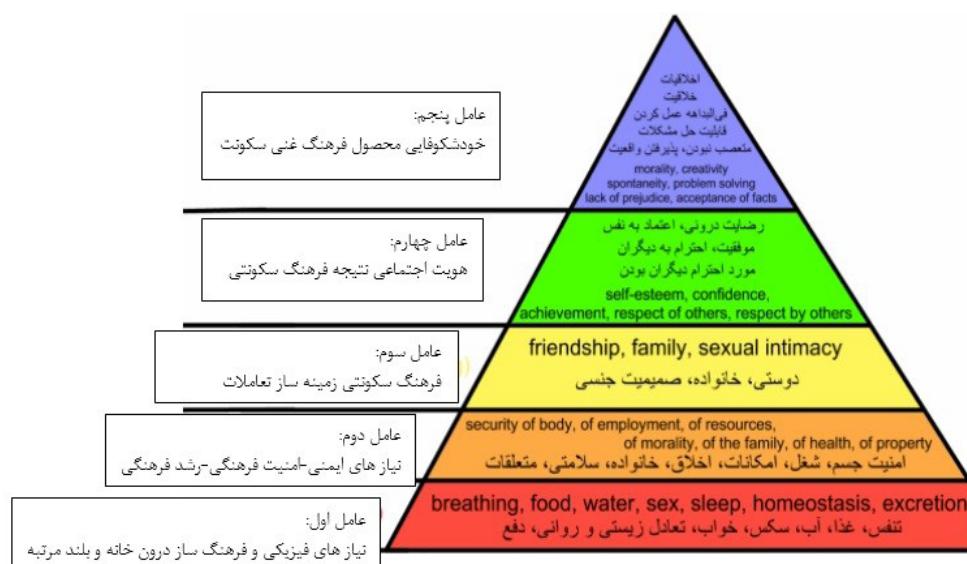
جدول ۱. مولفه های تاثیر بلندمرتبه سازی بر فرهنگ سکونتی؛ مأخذ: فراتستی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۵

مولفه های تاثیر بلندمرتبه سازی بر فرهنگ سکونتی	
تناسبات؛ محصوریت؛ تعین فضایی؛ مقیاس انسانی؛ وضوح؛ پیوستگی فضایی؛ فضای سبز؛ تراکم؛ نفوذپذیری؛ فضای باز؛ تنوع محیط	<u>عامل اول</u> نیازهای فیزیکی
فرهنگ امنیتی؛ آسایش؛ امنیت فضای کودکان؛ کنترل تداخل فضایی؛ نظارت اجتماعی؛ شبکه دسترسی؛ کنترل محیط بر انسان	<u>عامل دوم</u> نیاز ایمنی و آرامش
مشارکت اجتماعی؛ حضور پذیری؛ عامل انسان در محیط؛ ساختار اجتماعی؛ واکنش اجتماعی؛ پیوستگی فعالیتی؛ عدم پذیرش غریبه ها؛ فرصت برقراری ارتباط میان انسان و فضای مکان های مردمی	<u>عامل سوم</u> فرهنگ سکونتی و تعاملات اجتماعی
غنى بودن محیط؛ خوانایی؛ خاطره انگیز بودن (نقش انگیزی)؛ ایجاد سلسله مراتب در قلمرو؛ حریم؛ نمادین بودن؛ تشخوص فضایی	<u>عامل چهارم</u> فرهنگ سکونتی و هویت اجتماعی
وحدت و نظم اجتماعی؛ عزت نفس؛ حس تعلق و دلبستگی به محیط؛ زیبایی؛ سرزنه و خوشایند بودن؛ محیط معنا	<u>عامل پنجم</u> فرهنگ سکونتی و نظم و خودشکوفایی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۳۲۷



به محیط» و کمترین امتیاز به شاخص های «تغییر پذیری و پیوستگی فضایی و غنى بودن محیط» داده شده است. دور دوم روش دلفی در بخش اول از پرسشنامه دور دوم روش دلفی، مجموعه شاخص هایی ارائه گردید که به استناد مرحله اول دلفی به عنوان شاخص های مؤثر بر بلندمرتبه سازی تشخیص داده شد. بخش (خبرگان) خواسته شد تا میزان تأثیر هر یک از ۴۱ شاخص ها بر طراحی فضای شهری انعطاف پذیر را با انتخاب یکی از گزینه های موجود اعلام کنند. این گزینه ها به صورت طیف لیکرت بوده است. چنانچه در جدول (۲) مشاهده می شود، در سنجش دور اول بیشترین امتیاز (اهمیت) به شاخص های «سرزنه و خوشایند بودن و حس تعلق و دلبستگی

جدول ۲. توصیف آماری پاسخ دهندگان (دلیل دور اول)؛ مأخذ: (نگارندگان، ۱۳۹۵)

شاخص	تعداد پاسخ‌ها	میانگین پاسخ‌ها	انحراف معیار	ترتیب اهمیت
۱. تنشیات	۳۲	۳,۸۹	۰/۷۴	۱۰
۲. محصوریت	۳۲	۳,۵۶	۰/۶۸	۲۳
۳. تعیین فضایی	۳۲	۳,۳۱	۰/۷۷	۳۴
۴. مقیاس انسانی	۳۲	۳,۰۹	۰/۷۰	۱۹
۵. وضوح	۳۲	۳,۵۶	۰/۷۴	۲۵
۶. پیوستگی فضایی	۳۲	۳,۰۱	۰/۷۴	۴۰
۷. فضای سبز	۳۲	۳,۵۷	۰/۵۶	۲۱
۸. تراکم	۳۲	۳,۸۱	۰/۷۷	۱۲
۹. تغییر پذیری	۳۲	۲,۹۲	۰/۵۸	۴۱
۱۰. نفوذپذیری	۳۲	۴,۳۵	۰/۸۱	۵
۱۱. فضای باز	۳۲	۳,۵۸	۰/۶۴	۲۰
۱۲. تنوع محیط	۳۲	۳,۳۵	۰/۸۶	۳۲
۱۳. فرهنگ امنیتی	۳۲	۴,۱۵	۰/۶۲	۷
۱۴. آسایش	۳۲	۴,۴۰	۰/۵۱	۴
۱۵. امنیت فضای کودکان	۳۲	۳,۷۲	۰/۷۵	۱۵
۱۶. کنترل تداخل فضایی	۳۲	۳,۴۱	۰/۹۶	۳۰
۱۷. نظارت اجتماعی	۳۲	۴,۲۷	۰/۹۷	۶
۱۸. شبکه دسترسی	۳۲	۳,۶۹	۰/۹۸	۱۷
۱۹. کنترل محیط بر انسان	۳۲	۳,۴۹	۰/۸۶	۲۷
۲۰. مشارکت اجتماعی	۳۲	۳,۶۲	۰/۷۷	۱۸
۲۱. حضور پذیری	۳۲	۳,۷۶	۰/۸۰	۱۴
۲۲. تعامل انسان در محیط	۳۲	۳,۵۶	۰/۶۹	۲۲
۲۳. ساختار اجتماعی	۳۲	۳,۴۷	۰/۶۹	۲۸
۲۴. واکنش اجتماعی	۳۲	۳,۱۹	۱/۱۲	۳۷
۲۵. پیوستگی فعالیتی	۳۲	۳,۲۷	۱/۰۹	۳۳
۲۶. عدم پذیرش غریبه ها	۳۲	۳,۸۳	۱/۱۳	۱۱
۲۷. فرصت برقراری ارتباط میان انسان و فضا	۳۲	۳,۲۸	۱/۰۰	۳۶
۲۸. مکان های مردمی	۳۲	۳,۹۶	۰/۷۴	۹
۲۹. غنی بودن محیط	۳۲	۳,۰۷	۰/۷۴	۳۹
۳۰. خوانایی	۳۲	۳,۷۱	۰/۶۶	۱۶
۳۱. خاطره انگیز بودن (نقش انگیزی)	۳۲	۴,۴۲	۰/۷۷	۳

۳۸	۰/۵۸	۳,۱۵	۳۲	۱. ایجاد سلسله مراتب در قلمرو
۲۶	۰/۸۱	۳,۵۷	۳۲	۲. حریم
۱۳	۰/۶۴	۳,۷۹	۳۲	۳. نمادین بودن
۳۱	۰/۸۵	۳,۳۸	۳۲	۴. تشخّص فضایی
۸	۰/۶۲	۴,۰۸	۳۲	۵. وحدت و نظم اجتماعی
۳۵	۰/۵۱	۳,۲۹	۳۲	۶. عزت نفس
۲	۰/۷۵	۴,۵۹	۳۲	۷. حس تعلق و دلستگی به محیط
۲۴	۰/۹۶	۳,۵۵	۳۲	۸. زیبایی
۱	۰/۹۷	۴,۶۱	۳۲	۹. سرزنه و خوشایند بودن
۲۹	۰/۹۳	۳,۴۴	۳۲	۱۰. محیط معنا

جدول ۳. توصیف آماری پاسخ دهنده‌گان (دلفی دور دوم)؛ مأخذ: (نگارندگان، ۱۳۹۵)

شاخص	تعداد پاسخ‌ها	میانگین پاسخ‌ها	انحراف معیار	ترتیب اهمیت
۱. تنسیبات	۳۲	۳,۷۱	۰/۷۴	۱۳
۲. محصوریت	۳۲	۳,۴۶	۰/۶۸	۲۰
۳. مقیاس انسانی	۳۲	۳,۵۵	۰/۷۰	۱۹
۴. وضوح	۳۲	۳,۱۵	۰/۷۴	۲۲
۵. فضای سبز	۳۲	۳,۰۳	۰/۵۶	۲۳
۶. تراکم	۳۲	۳,۷۸	۰/۷۷	۱۲
۷. نفوذپذیری	۳۲	۴,۲۴	۰/۸۱	۶
۸. فضای باز	۳۲	۲,۸۵	۰/۶۴	۲۴
۹. فرهنگ امنیتی	۳۲	۴,۱۱	۰/۶۲	۸
۱۰. آسایش	۳۲	۴,۷۳	۰/۵۱	۱
۱۱. امنیت فضای کودکان	۳۲	۳,۶۲	۰/۷۵	۱۶
۱۲. نظرارت اجتماعی	۳۲	۴,۶۹	۰/۹۷	۲
۱۳. شبکه دسترسی	۳۲	۳,۵۷	۰/۹۸	۱۸
۱۴. مشاکت اجتماعی	۳۲	۳,۶۳	۰/۷۷	۱۵
۱۵. حضور پذیری	۳۲	۳,۸۵	۰/۸۰	۱۱
۱۶. تعامل انسان در محیط	۳۲	۳,۴۲	۰/۶۹	۲۱
۱۷. عدم پذیرش غریبی ها	۳۲	۳,۶۵	۱/۱۳	۱۴
۱۸. مکان های مردمی	۳۲	۴,۱۶	۰/۷۴	۷
۱۹. خوانایی	۳۲	۲,۵۹	۰/۶۶	۲۷
۲۰. خاطره انگیز بودن (نقش انگیزی)	۳۲	۴,۴۲	۰/۷۸	۵
۲۱. حریم	۳۲	۲,۷۹	۰/۸۱	۲۵
۲۲. نمادین بودن	۳۲	۳,۹۴	۰/۶۴	۱۰
۲۳. وحدت و نظم اجتماعی	۳۲	۴,۰۵	۰/۶۲	۹
۲۴. حس تعلق و دلستگی به محیط	۳۲	۴,۶۱	۰/۷۵	۳
۲۵. زیبایی	۳۲	۲,۶۴	۰/۹۶	۲۶
۲۶. سرزنه و خوشایند بودن	۳۲	۴,۵۱	۰/۹۴	۴
۲۷. مدیریت شهری	۳۲	۳,۶۱	۰/۶۳	۱۷

با توجه به نتایج جدول (۶)، می‌توان گفت: اولاً نظرات در خصوص تمامی شاخص‌ها به جز ۴ شاخص که دارای امتیاز پایین می‌باشد، به دلیل آنکه اختلاف کمتر از ۰/۱ را در مقایسه دو مرحله آخر داشته‌اند، به جمع‌بندی نهایی رسیده است. علاوه بر این، با حذف چهار شاخص «امنیت فضای کودکان»، «عدم پذیرش غریبه‌ها»، «خطره‌انگیز بودن» و «نمادین بودن» که دارای امتیاز کمتر از ۳,۵ بودند و امتیاز بالاتر از ۳,۵ برای اکثر شاخص‌ها نشان دهنده، مؤثر بودن آن‌ها در فرهنگ سکونتی متأثر از بلند مرتبه سازی می‌باشد.

بر طبق جدول (۷) مقدار ۰,۰۴۹، ۰,۰۲۴ و ۰,۰۱۲ شاخص‌های معنی دار که کمتر از معیار ۰,۰۵ می‌باشد، همبستگی پاسخ‌ها را تأیید می‌کنند. همچنین مقدار بالاتر از ۰/۵ برای ضریب دبلیوی کنдал نیز تطابق قابل قبول نظرات را در این آزمون نشان می‌دهد. شایان ذکر است با توجه به اینکه در آزمون دبلیو کنдал، مقدار درجه آزادی بر اساس تعداد گویه‌ها محاسبه (ونه تعداد مشاهدات) بنابراین در این مرحله برای ۴۱ گویه مورد آزمون، درجه آزادی ۴۰-۱=۴۱ تعیین شده است. چنانچه در جداول (۷) مشاهده می‌شود، در سنجدش دور دوم بیشترین امتیاز (اهمیت) به شاخص «آسایش» و کمترین امتیاز به شاخص اهمیت «خوانایی» داده شده است. شایان ذکر است مقایسه میانگین امتیازات شاخص‌ها در دور مرحله اول و دوم دلفی، در جدول (۴) آمده است.

با توجه به اطلاعات جدول (۴)، ۱۴ شاخص از پرسشنامه دور دوم کنار گذاشته شد که در این بین ۸ شاخص «محصوریت»، «وضوح»، «فضای سبز»، «فضای باز»، «تعامل انسان در محیط»، «خوانایی»، «حریم» و «زیبایی»، به دلیل امتیاز کمتر حذف و ۶ شاخص «مقیاس انسانی»، «تراکم»، «فرهنگ امنیتی»، «وحدت ونظم اجتماعی»، «حس تعلق و دلبستگی به محیط» و «سرزنده و خوشایند بودن» نیز به دلیل اتفاق نظر جمعی مورد پذیرش قرار گرفتند و در مرحله سوم مورد سنجدش قرار نمی‌گیرد.

دور سوم روش دلفی در این دور، مشابه روش دور دوم عمل گردید. پرسشنامه دور سوم با ۱۳ شاخص توزیع که نتایج آن در جدول (۵) آمده است.

در سنجدش دور سوم بیشترین امتیاز (اهمیت) به شاخص «نظرارت اجتماعی» و کمترین امتیاز به شاخص اهمیت «امنیت فضای کودکان» داده شده است. همچنین مقایسه میانگین در دور دوم و سوم نیز به صورت جدول (۶) نشان داده شده است.

۸. نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

همان گونه که انسان بر اساس باورها و سنت و جهان بینی و فرهنگ خویش محیطی را می‌سازد که بتواند ضمن آن که آیینه اصول و ارزش‌هایش

دوم پرسشنامه نیز به پرسش در خصوص اهمیت شاخص‌ها در حالت اصلاح شده و جدید می‌پردازد که اصلاحات آن در ادامه بیان شده است. با توجه به پیشنهاد مطرح شده توسط تعدادی از خبرگان، «مدیریت شهری» به پرسشنامه دور دوم اضافه گردید.

بنابراین، در پرسشنامه دوم، لیستی از شاخص جدید پیشنهادی و شاخص‌های باقیمانده، را تشکیل داد. پرسشنامه دور دوم دلفی (شامل ۲۷ شاخص) نیز به همان ۳۲ نفر تحويل داده شد که شاخص‌های مذکور به شرح جدول (۳) می‌باشند. چنانچه در جدول (۳) مشاهده می‌شود، در سنجدش دور دوم بیشترین امتیاز (اهمیت) به شاخص «آسایش» و کمترین امتیاز به شاخص اهمیت «خوانایی» داده شده است. شایان ذکر است مقایسه میانگین امتیازات شاخص‌ها در دور مرحله اول و دوم دلفی، در جدول (۴) آمده است.

جدول ۴. میزان اختلاف دیدگاه خبرگان در نظرسنجی مرحله اول و دوم؛ مأخذ: یافته‌های پژوهش

شاخص	میانگین مرحله اول	میانگین مرحله دوم	اختلاف میانگین
۱. تnasیبات	۳,۸۹	۳,۷۱	۰,۱۸
۲. مخصوصیت	۳,۵۶	۳,۴۶	۰,۱
۳. تعیین فضایی	۳,۳۱	***	***
۴. مقیاس انسانی	۳,۵۹	۳,۵۵	۰,۰۴
۵. وضوح	۳,۵۶	۳,۱۵	۰,۴۱
۶. پیوستگی فضایی	۳,۰۱	***	***
۷. فضای سبز	۳,۵۷	۳,۰۳	۰,۵۴
۸. تراکم	۳,۸۱	۳,۷۸	۰,۰۳
۹. تغییر پذیری	۲,۹۲	***	***
۱۰. نفوذ پذیری	۴,۳۵	۴,۳۴	۰,۱۱
۱۱. فضای باز	۳,۵۸	۲,۸۵	۰,۷۳
۱۲. تنوع محیط	۳,۳۵	***	***
۱۳. فرهنگ امنیتی	۴,۱۵	۴,۱۱	۰,۰۴
۱۴. آسایش	۴,۴۰	۴,۷۳	۰,۳۳
۱۵. امنیت فضای کودکان	۳,۷۲	۳,۶۱	۰,۱۱
۱۶. کنترل تداخل فضایی	۳,۴۱	***	***
۱۷. نظارت اجتماعی	۴,۲۷	۴,۶۹	۰,۴۲
۱۸. شبکه دسترسی	۳,۶۹	۳,۵۷	۰,۱۲
۱۹. کنترل محیط بر انسان	۳,۴۹	***	***
۲۰. مشارکت اجتماعی	۳,۶۲	۳,۵۳	۰,۰۱
۲۱. حضور پذیری	۳,۷۶	۳,۹۱	۰,۱۵
۲۲. تعامل انسان در محیط	۳,۵۶	۳,۴۰	۰,۱۶
۲۳. ساختار اجتماعی	۳,۴۷	***	***
۲۴. واکنش اجتماعی	۳,۱۹	***	***
۲۵. پیوستگی فعالیتی	۳,۲۷	***	***
۲۶. عدم پذیرش غریبه ها	۳,۸۳	۳,۶۵	۰,۱۸
۲۷. فحص برقراری ارتباط میان انسان و فضا	۳,۲۸	***	***
۲۸. مکان های مردمی	۳,۹۶	۴,۱۶	۰,۲۰
۲۹. غنی بودن محیط	۳,۰۷	***	***
۳۰. خوانایی	۳,۷۱	۲,۵۹	۱,۱۲

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۳۳۱

شاخص	مرحله اول	مرحله دوم	میانگین میانگین	اختلاف میانگین
۱۳. خاطره انگیز بودن (نقش انگیزی)	۴,۴۲	۴,۴۳	۰,۰۱	***
۱۴. ایجاد سلسله مراتب در قلمرو	۳,۱۵	***	***	***
۱۵. حریم	۳,۵۷	۲,۹۵	۰,۶۲	۰,۱۵
۱۶. نمادین بودن	۳,۷۹	۳,۹۴	۰,۱۵	۰,۰۷
۱۷. تشخض فضایی	۳,۳۸	***	***	***
۱۸. وحدت و نظم اجتماعی	۴,۰۸	۴,۱۵	۰,۰۷	***
۱۹. عزت نفس	۳,۲۹	***	***	***
۲۰. حس تعلق و دلبستگی به محیط	۴,۵۹	۴,۶۱	۰,۰۲	۰,۰۲
۲۱. زیبایی	۳,۵۵	۲,۶۴	۰,۹۱	۰,۱۰
۲۲. سرزنش و خوشایند بودن	۴,۶۱	۴,۵۱	۰,۱۰	***
۲۳. محیط معنا	۳,۴۴	***	***	***
۲۴. مدیریت شهری	***	۳,۶۱	***	***

جدول ۵. توصیف آماری پاسخ دهنده‌گان (دلفی دور سوم)؛ مأخذ: (نگارنده‌گان، ۱۳۹۵)

شاخص	تعداد پاسخ‌ها	میانگین پاسخ‌ها	انحراف معیار	ترتیب اهمیت
۱. تناسبات	۳۲	۳,۳۷		۱۰
۲. نفوذپذیری	۳۲	۴,۳۲		۳
۳. آسایش	۳۲	۴,۶۹		۲
۴. امنیت فضای کودکان	۳۲	۳,۲۸		۱۳
۵. نظارت اجتماعی	۳۲	۴,۷۵		۱
۶. شبکه دسترسی	۳۲	۳,۶۱		۷
۷. مشارکت اجتماعی	۳۲	۳,۵۸		۸
۸. حضور پذیری	۳۲	۳,۹۴		۵
۹. عدم پذیرش غریبیه ها	۳۲	۳,۳۲		۱۱
۱۰. مکان‌های مردمی	۳۲	۴,۲۳		۴
۱۱. خاطره انگیز بودن (نقش انگیزی)	۳۲	۳,۴۶		۹
۱۲. نمادین بودن	۳۲	۳,۴۷		۷
۱۳. مدیریت شهری	۳۲	۳,۶۲		۶

و مفیدی واقع گردیده است و در نهایت بر اساس نتایج به دست آمده از شاخص‌های استخراج شده از مبانی و مدل دلفی ۱۵ شاخص به عنوان شاخص‌های بلند مرتبه سازی شناخته شد که با توجه به رتبه بندی انجام شده قابلیت‌های نظارت اجتماعی، آسایش، حس تعلق و دلبستگی به محیط و سرزنش و خوشایند بودن را می‌توان به عنوان مهمترین بوده و او را در جهت وصول به آن‌ها یاری نماید، در دهه‌های اخیر به شیوه‌های گوناگون این موضوع مورد بررسی و تایید قرار گرفته که محیط تاثیری جدی بر رفتار و روان و در نتیجه تغییرات فرهنگی انسان دارد. با توجه به مفهوم بلند مرتبه سازی و شاخص‌های مربوط به آن مواردی مورد تایید قرار گرفت که بر فضای فرهنگی سکونت تاثیرات مهم

جدول ۶. میزان اختلاف دیدگاه خبرگان در نظرسنجی مرحله دوم و سوم؛ مأخذ: (نگارندگان، ۱۳۹۵)

شاخص	میانگین مرحله دوم	میانگین مرحله سوم	اختلاف میانگین
۱. تناسبات	۳,۷۱	۳,۶۲	۰/۰۹
۲. محصوریت	۳,۴۶	---	---
۳. مقایس انسانی	۳,۵۵	---	---
۴. وضوح	۳,۱۵	---	---
۵. فضای سبز	۳,۰۳	---	---
۶. تراکم	۳,۷۸	---	---
۷. نفوذپذیری	۴,۲۴	۴,۳۲	۰,۰۸
۸. فضای باز	۲,۸۵	---	---
۹. فرهنگ امنیتی	۴,۱۱	---	---
۱۰. آسایش	۴,۷۳	۴,۶۹	۰,۰۴
۱۱. امنیت فضای کودکان	۳,۶۲	۳,۲۸	۰,۳۴
۱۲. نظارت اجتماعی	۴,۵۹	۴,۷۵	۰,۰۵
۱۳. شبکه دسترسی	۳,۵۷	۳,۶۱	۰,۰۴
۱۴. مشارکت اجتماعی	۳,۵۳	۳,۵۸	۰,۰۵
۱۵. حضور پذیری	۳,۸۵	۳,۹۴	۰,۰۹
۱۶. تعامل انسان در محیط	۳,۴۲	---	---
۱۷. عدم پذیرش غریبه ها	۳,۶۵	۳,۳۲	۰,۲۳
۱۸. مکان های مردمی	۴,۱۶	۴,۲۳	۰,۰۷
۱۹. خوانایی	۲,۵۹	---	---
۲۰. خاطره انگیز بودن (نقش انگیزی)	۴,۴۲	۳,۴۶	۰,۹۶
۲۱. حریم	۲,۷۹	---	---
۲۲. نمادین بودن	۳,۹۴	۳,۴۷	۰,۴۷
۲۳. وحدت و نظم اجتماعی	۴,۰۵	---	---
۲۴. حس تعلق و دلستگی به محیط	۴,۶۱	---	---
۲۵. زیبایی	۲,۵۴	---	---
۲۶. سرزنش و خوشایند بودن	۴,۵۱	---	---
۲۷. مدیریت شهری	۳,۶۱	۳,۶۲	۰,۰۱

جدول ۷. آزمون همبستگی دبلیوی کندا؛ مأخذ: (نگارندگان، ۱۳۹۵)

مرحله دلفی	تعداد پاسخگو	ضریب همبستگی دبلیوی کندا	شاخص کای دو	درجه آزادی	شاخص معنی داری (Sig.)
اول	۳۲	۰,۵۴۶	۵۸۲,۰۳۶	۴۰	۰,۰۲۴
دوم	۳۲	۰,۶۲۱	۵۰۸,۸۵۱	۲۶	۰,۰۴۹
سوم	۳۲	۰,۷۲۵	۳۵۱,۷۸	۱۲	۰,۰۱۲

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۳۳۳

جدول ۸. رتبه بندی شاخص‌های بلند مرتبه سازی با استفاده از مدل دلفی؛ مأخذ: (نگارنده‌گان، ۱۳۹۵)

شاخص	ردیف	امتیاز	رتبه
۱. نظارت اجتماعی	۱	۴,۷۵	
۲. آسایش	۲	۴,۶۹	
۳. حسن تعلق و دلیستگی به محیط	۳	۴,۶۱	
۴. سروزند و خوشایند بودن	۴	۴,۵۱	
۵. نفوذپذیری	۵	۴,۳۲	
۶. مکان‌های مردمی	۶	۴,۲۳	
۷. فرهنگ امنیتی	۷	۴,۱۱	
۸. وحدت و نظم اجتماعی	۸	۴,۰۵	
۹. حضور پذیری	۹	۳,۹۴	
۱۰. تراکم	۱۰	۳,۷۸	
۱۱. مدیریت شهری	۱۱	۳,۶۲	
۱۲. شبکه دسترسی	۱۲	۳,۶۱	
۱۳. تنشیات	۱۳	۳,۶۰	
۱۴. مشارکت اجتماعی	۱۴	۳,۵۸	
۱۵. مقیاس انسانی	۱۵	۳,۵۵	

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۳۳۴

از آن در شهرسازی، تهران، دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ

شاخص‌های بلند مرتبه سازی معرفی نمود.

منابع و مأخذ

۱- هایدگر، مارتین، (۱۳۷۷) فلسفه تکنولوژی، آثاری از مارتین هایدگر و ... مترجم: اعتماد، شاپور، تهران، فصلنامه اقتصاد مسکن، شماره ۳۵ و ۳۶

شاخص‌های بلند مرتبه سازی معرفی نمود.

۲- آشوری، داریوش، (۱۳۸۶) تعریفها و مفهوم فرهنگ، چاپ سوم، تهران، دفتر نشر آگه

شاخص‌های بلند مرتبه سازی معرفی نمود.

۳- یوسفی، ناصح، (۱۳۸۶) نقش فرهنگ شهری و

تعاملات اجتماعی در شکل گیری معماری پایدار،

۴- لنگ، جان، (۱۳۸۱) آفرینش نظریه معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط)، ترجمه ع

تعاملات اجتماعی در شکل گیری معماری پایدار،

۵- صدیق سروستانی، رحمت الله (۱۳۶۹) نشریه: جامعه شناسی و علوم اجتماعی زمستان ۱۳۶۹، شماره ۴

همدان، آموزشگاه فنی و حرفه‌ای سما

۶- بحرینی، حسین، (۱۳۷۸) تجدد، فراتجدد و پس

تعاملات اجتماعی در شکل گیری معماری پایدار،

۷- رفیعی، مینو، (۱۳۸۳) حق مسکن در ایران،

همدان، آموزشگاه فنی و حرفه‌ای سما

۸- قائم مقامی، پروین؛ ضرغامی، اسماعیل؛ پوردیهیمی، شهرام (۱۳۸۹) اصول پایداری اجتماعی

تعاملات اجتماعی در شکل گیری معماری پایدار،

۹- مخبر، عباس، (۱۳۶۳) ابعاد اجتماعی مسکن، سازمان برنامه و بودجه، تهران.

همدان، آموزشگاه فنی و حرفه‌ای سما

۱۰- حسامیان، فرج و دیگران، (۱۳۷۷) شهرنشینی در ایران، تهران، انتشارات آگه، چاپ سوم

تعاملات اجتماعی در شکل گیری معماری پایدار،

۱۱- شکوهی، علی، (۱۳۸۲) بررسی مسائل اقتصادی، اجتماعی و کالبدی انبوی سازی مسکن در شهر

همدان، آموزشگاه فنی و حرفه‌ای سما

۱۲- زراقی اصل، سینا؛ مهدوی نیا، مجتبی؛ فیضی محسن؛ دانشپور، عبدالهادی (۱۳۸۹) طراحی شهری عمودی، مفاهیم و الزامات تحقق آن در کلانشهر

تعاملات اجتماعی در شکل گیری معماری پایدار،

۱۳- بحرینی، حسین، (۱۳۷۸) تجدد، فراتجدد و پس

همدان، آموزشگاه فنی و حرفه‌ای سما

۱۴- بحرینی، حسین، (۱۳۷۸) تجدد، فراتجدد و پس

تعاملات اجتماعی در شکل گیری معماری پایدار،

۱۵- بحرینی، حسین، (۱۳۷۸) تجدد، فراتجدد و پس

همدان، آموزشگاه فنی و حرفه‌ای سما

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۳۳۵

- ۱۳-عربی بلاغی، نادر، (۱۳۸۲) الزامات بلند مرتبه سازی به عنوان شکلی از انبوه سازی مسکن، فصلنامه انبوه سازان مسکن، سال سوم، شماره ۹ و ۱۰
- ۱۴-پوردیهیمی، شهرام، (۱۳۹۱) شهر، مسکن و مجموعه ها، تهران، انتشارات آرمان شهر
- ۱۵-دهخدا، علی اکبر، (۱۳۴۴) لغت نامه دهخدا، دانشگاه تهران، تهران
- ۱۶-عمید، حسن، (۱۳۶۳) فرهنگ عمید، انتشارات امیرکبیر، تهران
- ۱۷-معین، محمد، (۱۳۷۱) فرهنگ لغت فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر
- ۱۸-عینی فر، علیرضا، (۱۳۷۹) عوامل انسانی، محیطی موثر در طراحی مجموعه های مسکونی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۸، ص ۱۰۹-۱۱۸
- ۱۹-عینی فر، علیرضا، آقالاطیفی، آزاده، (۱۳۹۰) مفهوم قلمرو در مجموعه های مسکونی (مطالعه مقایسه ای دو مجموعه مسکونی در سطح و ارتفاع در تهران)، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴۷، ص ۱۷-۲۸
- ۲۰-ضرغامی، اسماعیل، (۱۳۸۹) اصول پایداری اجتماعی مجتمع های مسکونی در شهرهای ایرانی-اسلامی، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره دوم، ص ۱۰۳-۱۱۵
- ۲۱-مخبر، عباس، (۱۳۶۳) ابعاد اجتماعی مسکن، ترجمه مرکز مدارک اقتصادی-اجتماعی، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه
- ۲۲-آشوری، داریوش، (۱۳۸۰) تعریف ها و مفهوم فرهنگ، تهران، انتشارات آگه
- ۲۳-فلاحی، مریم، (۱۳۹۲) تاثیر فرهنگ بر معماری بومی، معماری و شهرسازی و توسعه پایدار، مشهد، موسسه آموزش عالی خاوران
- ۲۴-مهدوی پور، حسین، (۱۳۷۷) مقدمه ای بر تاثیر فرهنگ در معماری مسکن و محیط روستا، شماره ۸۴، ص ۵۲-۶۰
- ۲۵-امامی، صابر، (۱۳۸۸) حافظ و هویت فرهنگی، فصلنامه علمی پژوهشی، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱۳، ص ۶۷-۸۵
- ۲۶-نقی زاده، محمد، (۱۳۷۸) هویت: تجلی فرهنگ در محیط، مجله آبادی، شماره ۳۴ و ۳۵، پاییز و زمستان ۱۳۷۸
- ۲۷-نقی زاده، محمد و بهناز امین زاده (۱۳۸۰) فضای کیفی، معماری و شهر، مجله نامه فرهنگ، شماره ۴۰، تابستان ۱۳۸۰
- ۲۸-پاکزاد، جهانشاه (۱۳۷۵) هویت و این همانی با فضای صفحه، شماره ۲۱-۲۲، بهار و تابستان ۱۳۷۵
- ۲۹-روح الامینی، محمود، (۱۳۷۷) زمینه فرهنگ شناسی تالیفی در انسان شناسی، مردم شناسی، چاپ چهارم، تهران، عطار
- ۳۰-تری یاندیس، هری س، (۱۳۸۸) فرهنگ و رفتار اجتماعی، مترجم ن، فتی، چاپ سوم، تهران، رسانش
- ۳۱-عسکری خانقاہ، اصغر، کمالی، محمد شریف، (۱۳۸۷) انسان شناسی عمومی، چاپ پنجم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و دانشگاه ها (سمت) و مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی (سبک زندگی) و گستره آن در علوم اجتماعی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ۳۲
- ۳۲-لنگ، جان، (۱۳۸۲) آفرینش نظریه معماری، مترجم یع، فر، چاپ دوم، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران
- ۳۳-راپاپورت، آموس، (۱۳۸۳) ابداع معماری، از غار تا شهر، آبادی، ۸
- ۳۴-هایدگر، مارتین، (۱۳۸۱) شعر، زبان و اندیشه رهایی، ترجمه عباس منوچهری، تهران، انتشارات فارسی
- ۳۵-شولتز، دون و شولتز، سیدنی الن، (۱۳۸۳) نظریه های شخصیت، ترجمه یحیی سید محمد، تهران، موسسه نشر
- ۳۶-پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۶)، سیر اندیشه ها در شهرسازی (۱)، تهران: شرکت عمران شهرهای جدید

USA, 2005

- 49-Aragones,J.I., Francescato, G., Garling, T., (2002). Evaluating residential environments in: residential environments: choice, satisfaction and behavior. Berkin & Garvey, Westport, Connecticut, London, 1-14
50-Anwar Mahmud, shahril, sani ahmad, Abdullah, megad Abdullah, aminatuzuhariah (2009), lifestyle orientation and the residential environment: an exploratory review, procedia- social and behavioral sciences, 49, 304-309.
51-Beamish, Julia O. Carucci Goss, Rosemary, Emmel, Joan.(2001), lifestyle influences on housing preferences, housing and society, volume 28, number 1&2

-۳۸-عیزی، محمدمهری، ملک محمدنژاد، صارم (۱۳۸۶)، بررسی تطبیقی دو الگوی مجتمع های مسکونی (متعارف و بلندمرتبه)-مطالعه موردي: مجتمع های مسکونی نور (سئول) و اسکان تهران، هنرهای زیبا، ۳۲، ۳۸-۲۷.

-۳۹-نورتقانی، عبدالمجید (۱۳۸۵). هویت خانه شهری. رساله کارشناسی ارشد. مرکز اسناد دانشکده هنر و معماری دانشگاه شیراز

-۴۰-راپورت، امس (۱۳۸۴) معنای محیط ساخته شده (رویکردی در ارتباط غیر کلامی). ترجمه فرح حبیب. چاپ اول. انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری (وابسته به شهرداری تهران).

-۴۱-راپورت، امس (۱۳۶۶) منشا فرهنگی مجتمع های زیستی. ترجمه راضیه رضازاده. انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت.

-۴۲-پوردیهیمی، شهرام؛ نورتقانی، عبدالمجید (۱۳۹۲) هویت و سمازن، بررس ساز و کار تعامل هویت ساکنی و محیط مسکونی. خانه، ۳

43-Meliouh, Fouzia and kheira Tabet Aoul (2001), L Habitat Espaces et Reperes conceptuels, courrier du savoir_N ol, Novembre, p59-64

44-Baydar,Gulsum,(2004),Thecultural Burden of Architecture , Journal of Architectural Education : 9
45-Dezuari, Edgard, 2010,social change and transformations in housing, IssJ, UNESCO 2010, 197-198: 10

46-Bachelard,Gaston,2007, The oneiric house, Housing and Dwelling; perspectives on Modern Domestic Architecture; Edited by Barbara Miller, Lane; published Routledge

47-Rapoport,Amos, 1981, Identity and Environment; cross-cultural perspective , Identity and housing; cross-cultural perspective, edited by James s.Duncan, landan, Billing and sons limited.

48-Rapoport, Amos, Culture Architecture and design, locke science publishing company, Inc, chicago,

دریس شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۳۳۶